



شعبه کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز اطلاع رسانی
جامع علوم انسانی

نگاهی اجمالی به آثار و اندیشه های

مرحوم مهندس سیدعلی اکبر مؤیدعلایی

سیدکیوان گلدانسانز

دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه یزد

زندگی صحنه یکتایی هنرمندی ماست

هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود

صحنه پیوسته بجاست

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

از همان آغاز که انسان غارنشین برای در امان ماندن از آنچه در اطرافش بود به غارها پناه برد ، معماری به وجود آمد. هر چند سرپناه نخستین بشر ، هدیه ای بود از جانب خداوند ، اما آموخته های بشر از طبیعت او را بدان داشت تا قدم در راه گذارد و تصورات خام و ابتدایی خود را به کاربندد. خشت ها و سنگ ها بر روی هم قرار گرفت تا بشر در ساخت سرپناهی که در آن به آرامش و آسایش رسد توفیق یابد. آنچه طبیعت میان ما و اجدادمان به اشتراک گذاشته آن چیزی است که هر آئینه ما را به خلق و ساخت و ما می دارد تا از آن سرپناه خشتی به مجموعه ای از ساخت و سازهای زیبا و شگرف برسیم که آن را هنر معماری می نامیم.

به جاست بپذیریم معماری ، نوعی نماد و نشانه برای هر تمدن و فرهنگ است که آیندگان بر پایه آن به قضاوت درباره علم و هنر ما می نشینند. همان گونه که ما با دیدن آنچه از گذشتگان بر جای مانده آن ها را در می یابیم و این چنین است که بر تک ستون های بر جای مانده از تخت جمشید می بالیم یا سال هاست پذیرفته ایم برج آزادی سمبلی از کشورمان باشد و همه اینها به این خاطر است که معماری مقوله ای است که نیاز به ترجمه ندارد و هر آدمی از هر نقطه دنیا آن را می فهمد و در می یابد. اما چگونه است که معماری چنین تأثیر شگرفی دارد که تاریخ و فرهنگ یک سرزمین به وسیله معماران آن شناسانده می شود و نمادی می شود بر یک کشور ؟ چگونه است که تصورات معماران او را به خلق آن چیزی سوق می دهد که نام معماری را بر آن مهر می کنیم ؟ بی شک می پذیریم معماری

هنر است و هنر تقلیدی از طبیعت و طبیعت زیباترین چیزی است که انسان همواره در برابر زیبایش حسرت وار نگریسته ، بنابراین پذیرفته می شود معماری تراوش زیبایی از ذهن معمار و تبلور آن در فضا است. مطمئناً هیچ کدام از ما برداشت و تعریفی یکسان و لااقل مشابه از معماری نخواهیم داشت اما می پذیریم که معماری هنر خلق فضا است ، ایجاد حس در فضا به وسیله محصورکردن دلخواهانه سازنده اش و القای حس به فرد که در این فضا می چرخد ، می ایستد یا به سکون می رسد. معماری گذر از تخیل به واقعیت است. اما آنچه معماری را متمایز و مشخص می سازد خواسته های الهی انسانی است که گاه برانگیزاننده اصلی طراح برای آفرینش فضا است که به قصد اعتلای زندگی و یا به سبب عشق به زیبایی و کمال ، تولید فضا می کند و این نیت و خواست معمار است که در ورای توده ساختمانی ، خود را نشان می دهد تا آنجا که باعث شود ما اثری را شاهکار نامیم و به آن احساس تعلق کنیم. اگر بپذیریم که قضاوت راجع به زیبایی نسبی است و ذهن معمار ، تفکرات ، فرهنگ و اعتقادات او در شکل گیری یک اثر دخیل است ، آنگاه برای درک و شناختن معماری یک سرزمین ، نیاز به شناختن پیشینه فرهنگی و اعتقادی مردم و معماران آن دیار ضروری به نظر می رسد.



مرحوم مؤیدعلایی، ۱۳۶۲



تصویر شماره ۲: ایستگاه راه آهن یزد، مأخذ: نگارنده



تصویر شماره ۱: ایستگاه راه آهن یزد، مأخذ: نگارنده

دکتر سیدحسین مؤید علائی نه فرزند داشت که مهندس سیدعلی اکبر مؤید علائی دومین پسرش بود. دو فرزند پسر دیگر نیز حرفه پدر را انتخاب کرده‌اند اما مهندس سیدعلی اکبر مؤید علائی با اینکه در رشته پزشکی قبول شد، به دنبال علاقه خود، معماری و طراحی رفت.

دوران کودکی را در کوردستان ایزدیان که نخستین بار توسط میس آیدین انگلیسی تأسیس شده بود طی کرد، سپس تحصیلات خود را در دبستان خسروی، دبیرستان کیخسروی و دبیرستانی در مشهد گذراند.

در کنکور معماری دانشگاه (هنرهای زیبای) تهران قبول شد و به همراه تحصیل، در اداره کل ساختمان نیز مشغول به کار گردید. پس از فارغ التحصیلی همزمان با کار در اداره کل ساختمان، دفتر طراحی کوباژ را نیز در تهران تأسیس کرد. بعد از اینکه طراحی ایستگاه مشهد و تبریز را اصلاح کرد، مدیرکل به او پیشنهاد طرح ایستگاه راه آهن یزد و کرمان را داد که طرح ایستگاه راه آهن یزد پذیرفته شد، به یزد عزیمت کرد و این ایستگاه طی سه سال به بهره‌برداری رسید که با گذشت سال‌ها هنوز کارآمد بوده و نیازی به گسترش آن احساس نمی‌شود. بنای ایستگاه راه آهن یزد، با الهام از عظمت و شوکت معماری ایرانی و اسلامی طراحی و ساخته شد و با استفاده از شیوه اکسپرسیونیسم آرمان‌گرای بنایی هر چند ساده، اما عظیم و باصلاطت به وجود آمده است. ورودی ایستگاه وسیع است و این ریتم از طریق پنجره‌ها، بازشوها و جزئیات سراسری دیوارها نیز کاملاً آشکار است. احساس گشودگی در بدو ورود به ایستگاه، القاء می‌شود. این نوع معماری که القاکننده نوعی خشونت و قدرت نیز هست، عظمت و استحکام بنا را بیان می‌کند. زیبایی نقشه آن مورد تأیید همگان است و آینده‌نگری مهندس مؤید علائی در طراحی این ایستگاه عظیم باعث تحسین همه مسئولین شده است.

پس از پایان پروژه به تهران عزیمت نمود، اما بنابه اصرار و دعوت شورای شهر به‌عنوان شهردار یزد

مهندس مؤید علائی یکی از معمارانی است که آثاری همچون ساختمان استانداری، شهرداری یزد، ساختمان فرمانداری، بیمارستان مجیبیان و ایستگاه راه آهن یزد و... را از خود به جا گذاشت است.

در این مقاله ضمن گفت‌وگو با خانواده مهندس مؤید علائی و تصویربرداری از بناهای طراحی شده توسط ایشان، سعی بر آن داریم تا با معرفی و بررسی اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و چند اثر و تفکرات شکل‌دهنده آن‌ها، مسیری نو را برای درک بهتر از معماری معاصر ایران ایجاد کنیم.

مهندس سیدعلی اکبر مؤید علائی در سال ۱۳۱۰ شمسی در یزد به دنیا آمد، فرزند مرحوم دکتر سیدحسین مؤید علائی، از معدود پزشکان تحصیل‌کرده دارالفنون که احمدشاه قاجار به او لقب مؤیدالحکما داده بود. پدر دکتر سید حسین مؤیدعلائی و پدربزرگش نیز جزء طبیبان مشهور دوران خود بودند.



پس از انقلاب ابتدا به سمت مشاور استاندار و رئیس دفتر فنی استانداری مشغول کار شد، از آنجایی که مهندس علائی پشت میز نشین نبود و پست دولتی را فقط به خاطر مقامش قبول نمی کرد و جاده های روستایی را در می نوردید، زمانی که وی به سمت مدیرکل اداره راه و ترابری استان یزد منصوب شد هیچ یک از راه های روستایی استان یزد پوشش آسفالت نداشت و با تمام کمبود امکانات و اولویت های تعیین شده به خاطر دوران دفاع مقدس، پس از پنج سال که از این سمت کناره گیری کرد و بازنشست شد هیچ راه روستایی خاکی در استان یزد نبود. ایجاد و آسفالت و گسترش جاده های طیس، دهبالا، طزرجان، بنادک سادات، هنزا، پیشکوه و پشتکوه و جاده تفت است که هنوز نیز مورد استفاده بی شمار مسافرین بیلاق ها است، نتیجه تلاش ها و کندو کاوهای مهندس مؤیدعلائی هست.

در سال ۱۳۶۳ بنابه تقاضای خود از وزیر راه و با وجود مخالفت اولیه به افتخار بازنشستگی رسید. مهندس مؤیدعلائی طرح های بی شماری نیز برای ساختمان های مسکونی و دولتی و مساجد و حسینیه ها ارائه کرد که در یزد و شهرهای اطراف ساخته شد از بندر خمیر گرفته تا زاهدان، سیرجان، رفسنجان و...

آنچه در شهر یزد از طراحی های او می توان ذکر کرد عبارتند از: شبستان های مسجد ملا اسماعیل و بازسازی درمانگاه و بیمارستان سیدالشهدا یزد، مدارس مجتمع سیدالشهدا، ساختمان استانداری، شهرداری یزد، ساختمان فرمانداری، حسینیه کر بلائی ها، قسمتی از بیمارستان مجیبیان، تالار شهرداری، تالار یزد، درمانگاه شیخداد، حسینیه محمدآباد و ده ها مسجد و حسینیه دیگر.

مهندس مؤید علائی در سوم مرداد ۱۳۸۶ دعوت حق را لبیک گفت و به سوی معبود شتافت.

در پایان نویسنده لازم می داند مراتب سپاس خود را از خانواده مرحوم مهندس مؤیدعلائی که کمال همکاری را در مراحل جمع آوری اطلاعات داشته اند، اعلام نماید. ■



تصویر شماره ۳: شهرداری یزد، مأخذ: نگارنده



تصویر شماره ۴: اداره کل راه و شهرسازی یزد، مأخذ: نگارنده



تصویر شماره ۵: اداره کل راه و شهرسازی یزد، مأخذ: نگارنده

در سال ۱۳۴۹ به انجام وظیفه مشغول شد در ساختمان اجاره ای شهرداری واقع در کوی فاضلی خیابان فرخی در کسوت شهردار درجه یک (از نظر درجه بندی شهرها از سوی وزارت کشور) پس از چندی ساختمان فعلی شهرداری یزد را طراحی و شروع به ساختن کرد که اکنون نیز چون نگینی در میدان آزادی می درخشد. کوچه های یزد در زمستان ها پس از اندکی باران و برف پوشیده از گل ولای بود به همت او کوچه های پیچ در پیچ آسفالت شد و کشتارگاه به خارج شهر انتقال یافت.

گورستان های پراکنده در گوشه و کنار شهر را به محل فعلی خلدبرین منتقل نمود و خیابان کمربندی در زمان او احداث شد، سرسبزی و زیبایی شهر مورد علاقه مهندس مؤیدعلائی بود و به همین جهت برای خیابان ها و بلوارهای جدید از تهران و کرج درخت خریداری و کاشته شد. پس از سال ها خیابان سیدگل سرخ احداث و خیابان های پر از دست انداز یزد آسفالت مجدد شد. او شهرداری بود که فقط پشت میز نمی نشست و فقط در سمینار و کنفرانس وقتش را سپری نمی کرد بلکه مرد عمل و کار بود به اصناف مختلف رسیدگی می کرد تا تخلفی صورت نگیرد. پس از چند سال موفقیت در کار مجدداً به عنوان شهردار انتخاب شد و تا سال های سال مردم کوچه و بازار که به مهندس مؤیدعلائی می رسیدند چون گذشته او را شهردار صدا می زدند. پس از چندی به علت اختلاف کاری با استاندار یزد از سمت خود استعفا داد، و باز مجدداً کار ساختن ایستگاه های راه آهن یزد، زرنند و کرمان را به عهده گرفت.